

## انقلاب اسلامی

انقلاب ۱۳۵۷ ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی با مشارکت طبقات مختلف مردم، بازاریان، احزاب سیاسی مخالف حکومت پهلوی، روشنفکران، دانشجویان و روحانیون شیعه در ایران انجام پذیرفت، و نظام پادشاهی این کشور را سرنگون، و زمینه روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، به رهبری روحانی شیعه، روح الله خمینی را فراهم کرد. تفکرات و شخصیت‌های اسلامی، در این انقلاب ضدسلطنتی حضور برجسته‌ای داشتند و خمینی آن را انقلاب اسلامی خواند.<sup>[۱]</sup> این انقلاب، با نام انقلاب بهمن ۵۷ نیز شناخته می‌شود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، محمدرضا شاه به تثبیت قدرت خود پرداخت و طرح‌های جنجال‌برانگیز موسوم به انقلاب سفید که محور اصلی آن‌را اصلاحات ارضی تشکیل میداد، به اجرا گذاشت. اجرای این طرح‌ها و افزایش چند برابری درآمدهای نفتی، موجب توسعه اقتصادی و دگرگونی ساختار اجتماعی ایران و در عین حال افزایش اختلاف طبقاتی و تنشهای اجتماعی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ گشت. شاه با معطوف کردن اقدامات امنیتی و اطلاعاتی خویش بر سرکوب طبقه متوسط جدید و احزاب سکولار، خود را در مقابل روحانیون و تفکرات مبارز جدید اسلامی آسیب پذیر ساخت. اصلاحات او و نیز جانبداری وی از دولتهای آمریکا و اسرائیل، با مخالفت روحانیون به ویژه خمینی روبرو شد. در این دوران شماری از روشنفکران ایران (از همه مهمتر علی شریعتی) بر احیای تفکر سیاسی شیعه تأثیری عمیق نهاده و تفسیری انقلابی از شیعه را به عنوان یک ایدئولوژی رهایی‌ساز، در اذهان مردم به ویژه محصلان و دانشجویان به جای گذاشتند. خمینی نیز در سالهای تبعید خود، اگرچه خواهان ایجاد یک حکومت اسلامی به رهبری فقها به جای سلطنت موروثی بود، بیشتر به طرح نقطه ضعفهای رژیم و مسائلی که توده مردم مسلمان ایران را خشمگین میساخت، میپرداخت. همچنین شماری سازمانهای چریکی مارکسیست و اسلام‌گرا شکل گرفتند که به مبارزه مسلحانه با رژیم پرداختند. نهایتاً با سیاست‌های نادرست حزب حکومتی رستاخیز در خصوص بازار و مذهب در اواسط دهه ۱۳۵۰، بازاریان و روحانیون محافظه کار و غیر سیاسی نیز به عنوان دو متحد تاریخی، به صفوف مخالفان پیوستند.

تنش‌ها و نارضایتی‌های مذکور، با بازتر شدن فضای سیاسی در سال ۱۳۵۶ که به دلیل فشارهای دولت آمریکا و نهادهای مدافع حقوق بشر صورت پذیرفته بود، خود را نشان داد و از پاییز و زمستان همان سال، به صورت تظاهرات خیابانی نمود یافت. معترضان برای برگزاری راهپیمایی، از سنت‌های شیعی

چون مراسم چهلم جانبلختگان اعتراضات، استفاده سیاسی به عمل آوردند.<sup>[۴][۳][۲]</sup> رویدادهایی چون فاجعه آتش سوزی سینما رکس آبادان، کشتار معترضان در برخی از تظاهرات ها (از جمله در واقعه جمعه سیاه در شهریورماه)، و امتیازهای دیر هنگام شاه به مخالفان، موجب تشدید اعتراضات و از دست رفتن امکان مصالحه شد.<sup>[۵]</sup> رکود اقتصادی به وقوع اعتصابات گسترده و پیوستن طبقه کارگر به تظاهرات ها و در نتیجه فلج شدن اقتصاد کشور انجامید. با پیوستن کارگران و همچنین تهیدستان شهری به تظاهرات ها، دامنه اعتراضات از ده ها هزار نفر به صدها هزار و حتی میلیونها تن رسید.<sup>[۶]</sup> سرانجام با خروج شاه از کشور، عدم موفقیت دولت شاپور بختیار، دو روز نبرد مسلحانه سازمان های چریکی و هزاران داوطلب مسلح با گارد شاهنشاهی و اعلام بیطرفی ارتش در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، انقلاب به پیروزی رسید.<sup>[۷][۸]</sup> سپس نظام «جمهوری اسلامی» در قالب حکومتی دینی برپایه تفسیر خاصی از شیعه به نام ولی فقیه جایگزین نظام پیشین گردید

### ریشه های انقلاب

محققان معتقدند در جستجوی ریشه اصلی انقلاب ۱۳۵۷ ایران، می توان به کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ بازگشت.<sup>[۹][۱۰][۱۱]</sup> پس از برکناری رضاشاه پهلوی توسط متفقین در هنگامه جنگ جهانی دوم، ایران در بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، طولانی ترین زمان فضای باز سیاسی در تاریخ معاصر را به خود دید. در این دوره روشنفکران و نه روحانیون، دست اندر کار بسیج و سازماندهی توده ها علیه ساختار قدرت بودند و سازمانهای غیر مذهبی - نخست حزب توده و سپس جبهه ملی به رهبری محمد مصدق - با موفقیت، طبقه متوسط و طبقه کارگر شهری را جذب کردند.<sup>[۱۴]</sup> در طی این دوران، مصدق به عنوان یک ملی گرای محبوب، خواستار اصلاح سیاست خارجی نادرست و خاتمه بخشیدن به دادن امتیازهای عمده به ابرقدرتهای خارج ی شد.<sup>[۱۵]</sup> او به یاری تظاهرات های گسترده طبقه متوسط و همچنین اعتصابات بزرگ کارگری در بخش صنعت نفت به سازماندهی حزب توده، به عنوان اهرم فشاری بر حکومت، توانست نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران را با موفقیت به پیش برد و تحت تاثیر شور و اشتیاق عمومی به نخست وزیری رسیده و حتی تسلط و اختیار محمدرضاشاه بر ارتش را به خطر افکند. ملی شدن صنعت نفت برای انحصارات نفتی و دولت بریتانیا ضربه ای جبران ناپذیر بود، به ویژه که این جنبش، می توانست به نیروی محرکه ای برای مردم دیگر کشورهای منطقه به منظور کسب حقوق خویش، تبدیل شود و بدین سان منفعت دیگر ابرقدرت وقت، ایالات متحده را نیز به مخاطره افکند. سرانجام بریتانیا توانست موافقت آمریکا را برای به راه اندازی یک کودتای نظامی علیه دولت مصدق به دست آورده و آمریکا به کمک نیروهای هوادار سلطنت در ارتش ایران و با پشتوانه دستگاه مذهبی (علما و روحانیون طراز اول و وعاظ و پیروان آنها) و برخی از زمینداران و سیاستمداران محافظه کار، دولت وی را سرنگون نمود.<sup>[۱۶][۱۷][۱۸]</sup> این رویداد تاثیری به سزا و طولانی مدت بر فضای جامعه به جای

گذاشت و در عصر جمهوری خواهی، ملی گرایی، گرایش به سوسیالیسم و سیاست خارجی بیطرفانه، اکنون سلطنت پهلوی و ارتش، در افکار عمومی، به عنوان سرسپرده ابرقدرتهای غربی، سرمایه داری و سازمانهای اطلاعاتی آمریکا و بریتانیا شناسانده شدند. با وقوع کودتا، سازمانهای سیاسی چون جبهه ملی و حزب توده سرکوب شده و اعضای آنها به حبسهای کوتاه و یا بلند مدت و حتی اعدام محکوم شدند و علاوه بر بریتانیا، ایالات متحده نیز به عنوان دشمن جدید امپریالیستی ایران شناخته شد. از سوی دیگر، سرکوبی نیروهای سکولار و غیر روحانی، راه را برای پیدایش جنبشهای جدید اسلامی هموار نمود.

## حزب توده ایران

حزب توده گرچه به حیات خود ادامه داد تا نقشی هر چند کوچک در انقلاب ایفا کند، پس از کودتا، هدف سرکوب و ضربه های سخت نیروهای امنیتی، جنگ روانی شدید و شایعه سازی رژیم علیه آن قرار گرفت و در اواخر دهه ۱۳۳۰ تنها شبیحی از قدرت پیشینش بازماند. دگرگونیهای اجتماعی حاصل از نوسازی، موجب شد تا رفته رفته، هواداران حزب توده به خانواده‌هایی با پیشینه چپ گرایانه محدود شوند. رهبری حزب نیز در نتیجه مرگ رهبران، سستی حاصل از کهولت و کناره گیری آنان، تضعیف شد.<sup>[۴۵]</sup> افزون بر این، مسئله مناقشات چین و شوروی، پیدایش گرایشهای «مائوئیستی» و انتقاد از سیاستهای گذشته حزب از جمله آنچه منتقدان پیروی «کورکورانه» آن از شوروی مینامیدند، موجب وقوع انشعاباتی در این حزب شد.<sup>[۴۶]</sup> با اینحال، حزب توده در سالهای نخست دهه پنجاه فعالیت‌های موفقی را آغاز کرد. از جمله اداره ایستگاه رادیویی پیک ایران، انتشار منظم دو مجله «مردم» و «دنیای» و بعدها نشریه نوید و همچنین ایجاد هسته‌های زیرزمینی کوچکی در دانشگاه تهران و مناطق نفتی.